



عنتق ینهان  
همیتنه مخفی  
نمیمونه

مترجم:  
Meruem

ادیتور:  
Rozhin & sev

آپلودر:  
Marziye

پیر بالا.

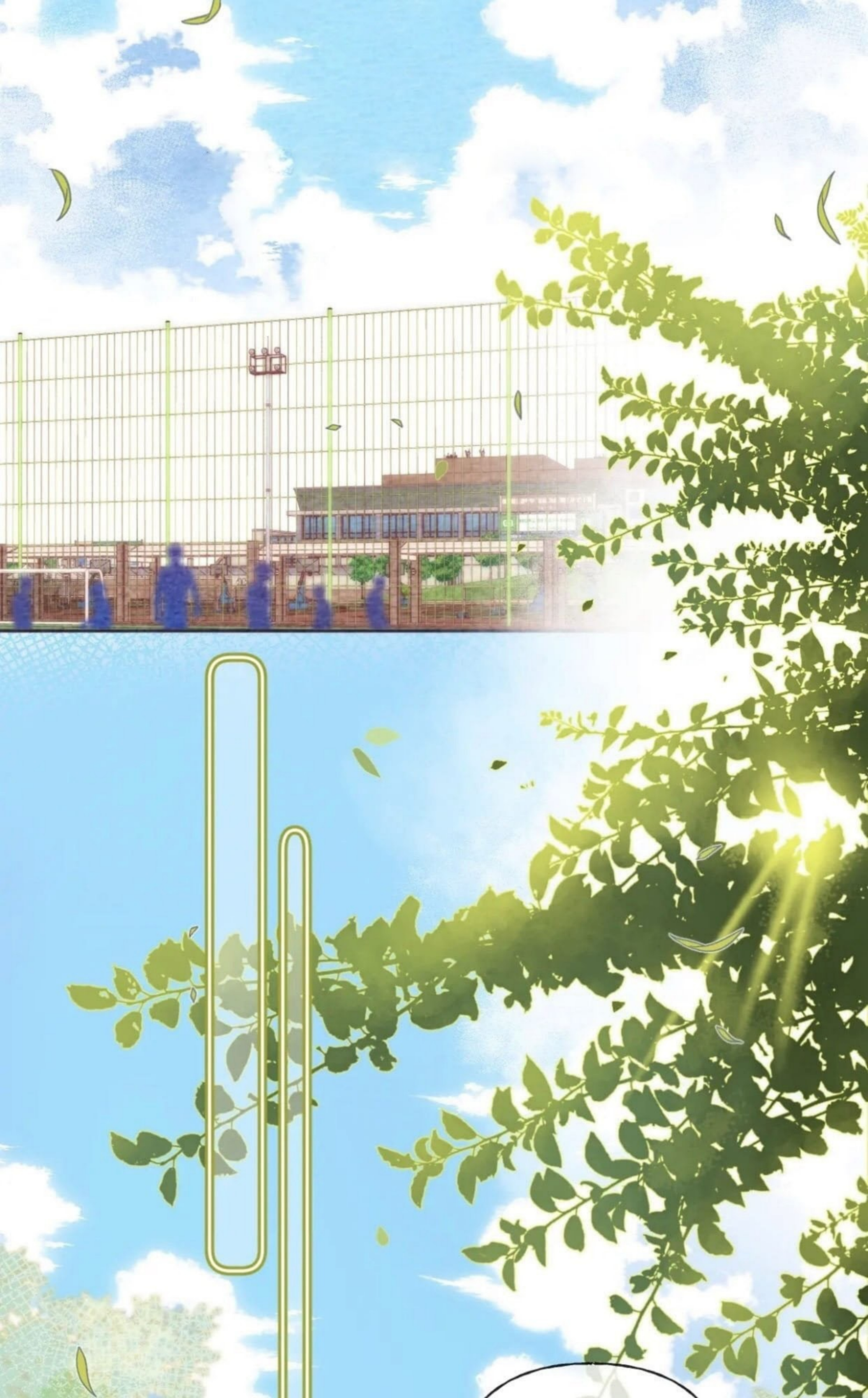
داداش  
کولت می کنه.





偷偷藏不住

*Hidden Love*



به جز پات،  
جای دیگه ای هم  
درد می کنه؟

دستام.

دیگه کجا؟

یکم زانو هام  
درد میکنه.



اوکی، دیگه  
گریه نکن.

داداشی الان  
برات دارو میزنه.





بیچہ.




کلاهمو دربیار.

باشه

پر عکس  
گذاشته؟



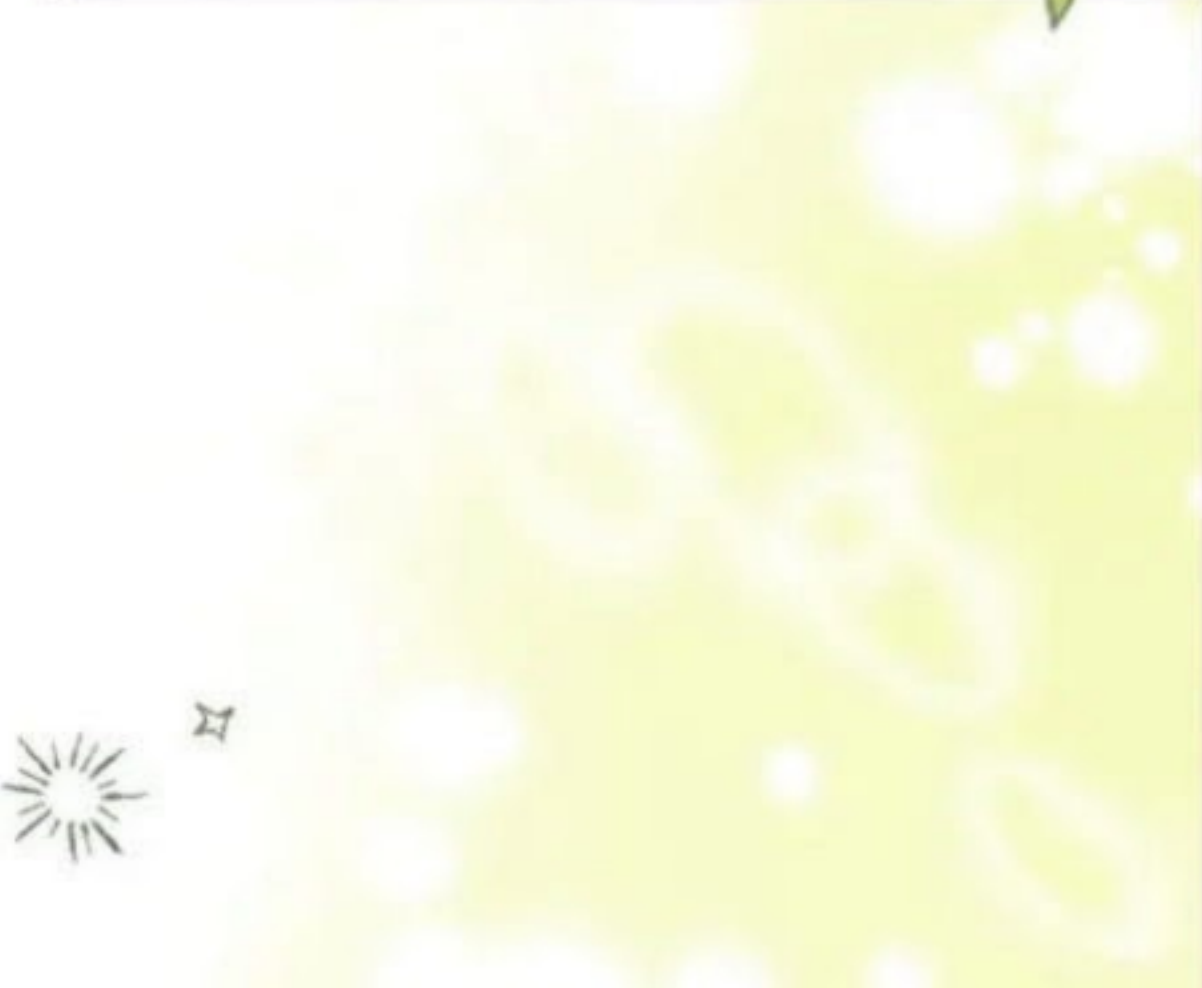
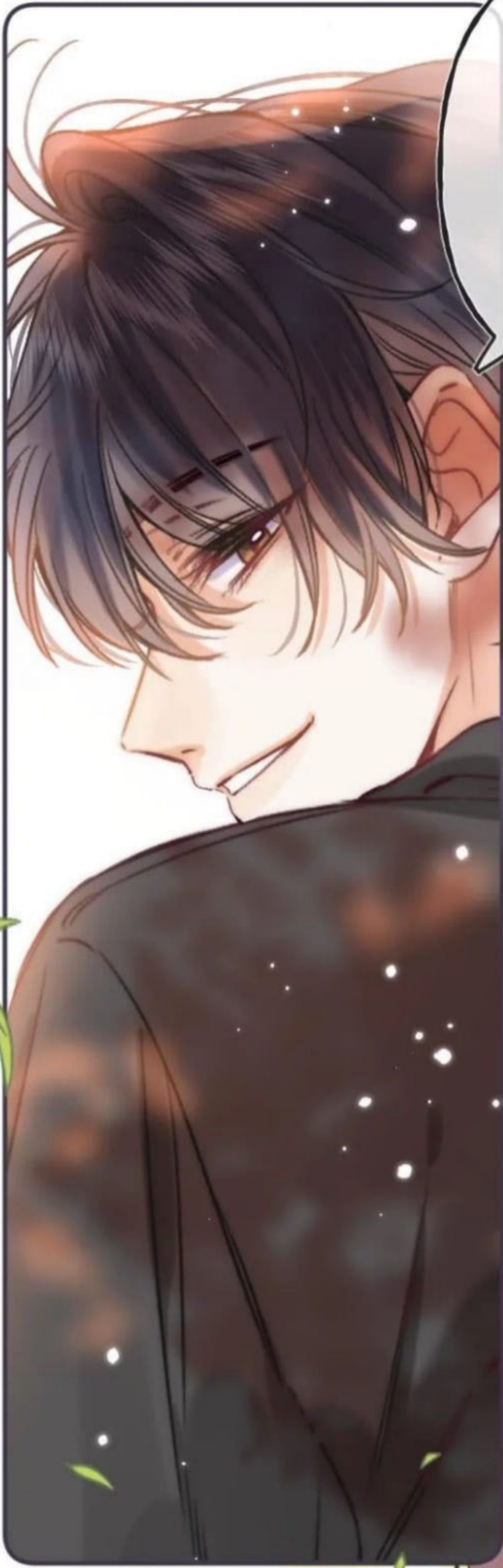


بزارش  
رو سر خودت.



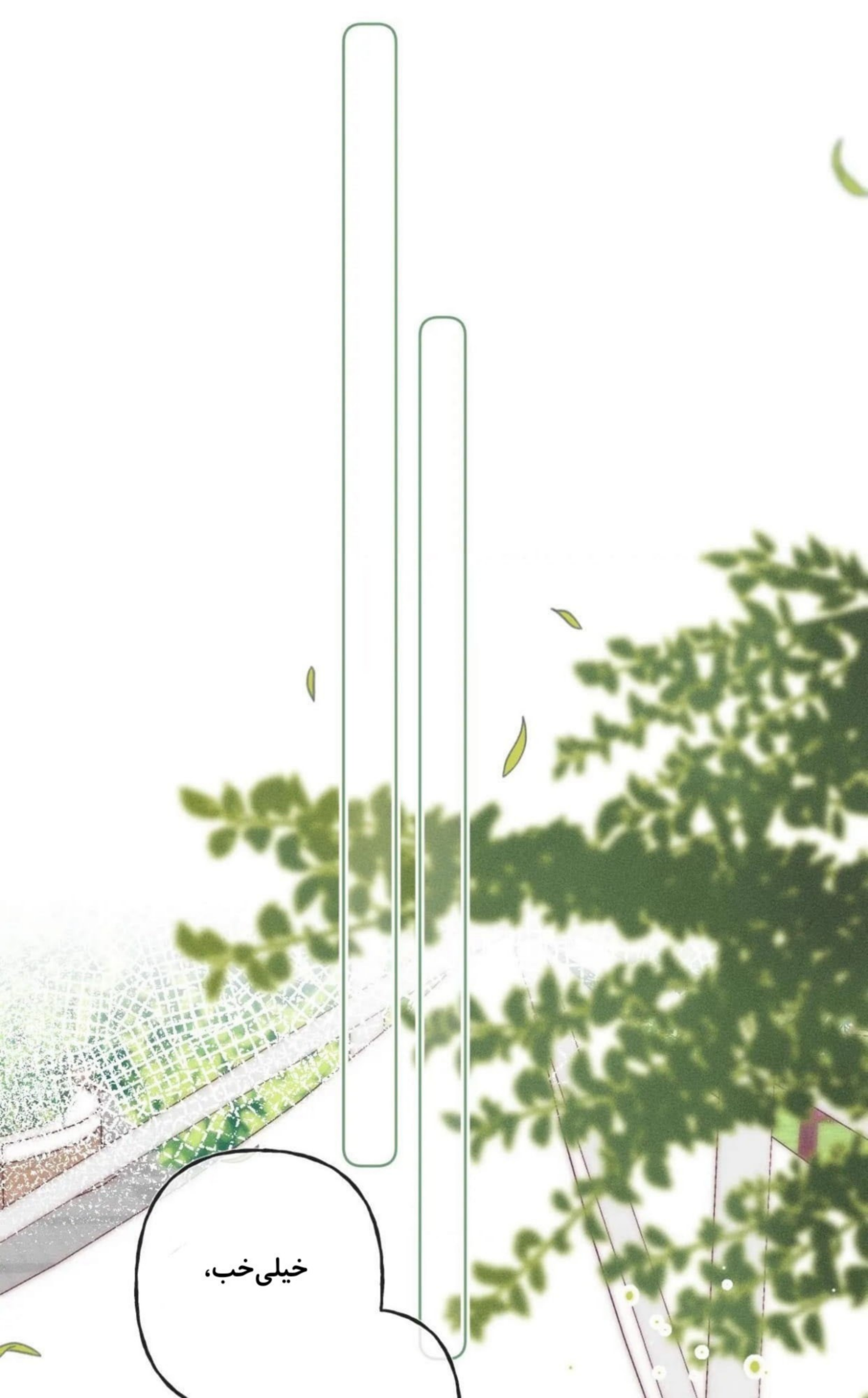
stunned

بنظرت آفتاب خیلی  
عذاب آور نیست؟



هوم...م





خیلی خب،

مشکل  
جدیی نیست.

یکم یخ  
روش بزاری و  
دارو بزنی،

و یه چند  
روزی ورزش نکنی  
اوکی میشه.

نیازی نیست  
بریم بیمارستان؟



مشکلی نیست،  
فقط به پیچ خوردگی  
ساده‌ست.

ولی محض احتیاط،  
ببرینش بیمارستان به چکی  
بکنن که استخون و ماهیچه‌ها  
آسیبی ندیده باشن.

پس بریم.





اول به زخمای  
دیگهش برسیم،

بعد می بریمش  
بیمارستان.





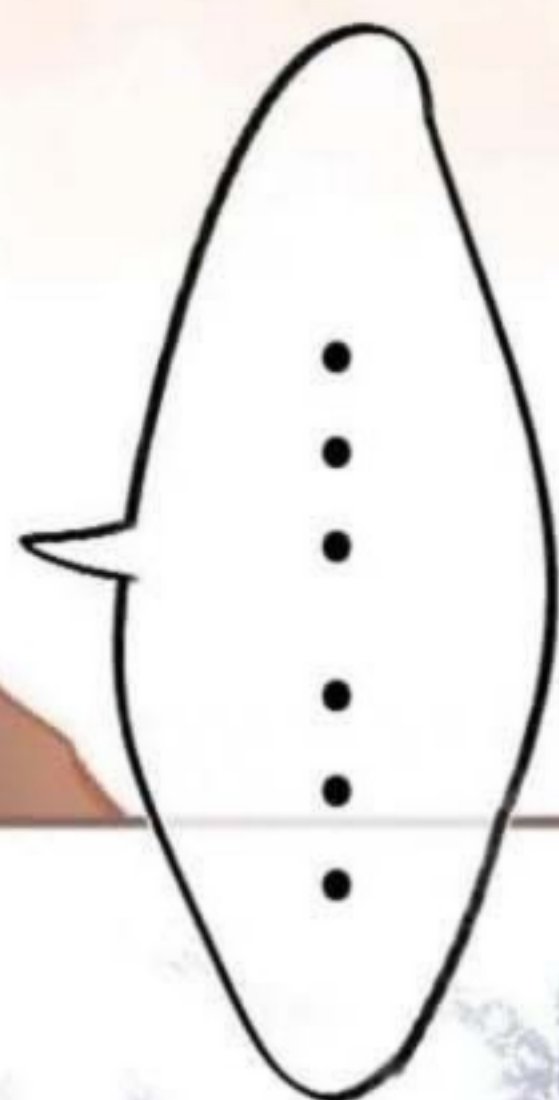
بزار من  
انجامش میدم...

快看漫画



نمی خوام تو  
انجام بدی.





خب،  
میرم برات  
یه بطری آب  
بگیرم.





اینقدر به  
من اعتماد داری؟





داداشم خیلی  
بی حوصله ست،

اون انجام بده  
بیشتر دردم میاد،

نمی خوام  
دوباره درد بکشم.

سانگ ژی  
کوچولو از درد  
کشیدن می ترسه؟

کی از  
درد کشیدن  
نمی ترسه؟



خب، ولی بازم،  
یکم دردت میگیره.

سانگ ژی  
کوچولو، میتونی یکم  
تحملش کنی؟





نمی تونی  
آروم تر بزنی؟

گفتم  
فقط یکم.

فقط یکمه،  
اوکی نیست؟

نه.



باشه.

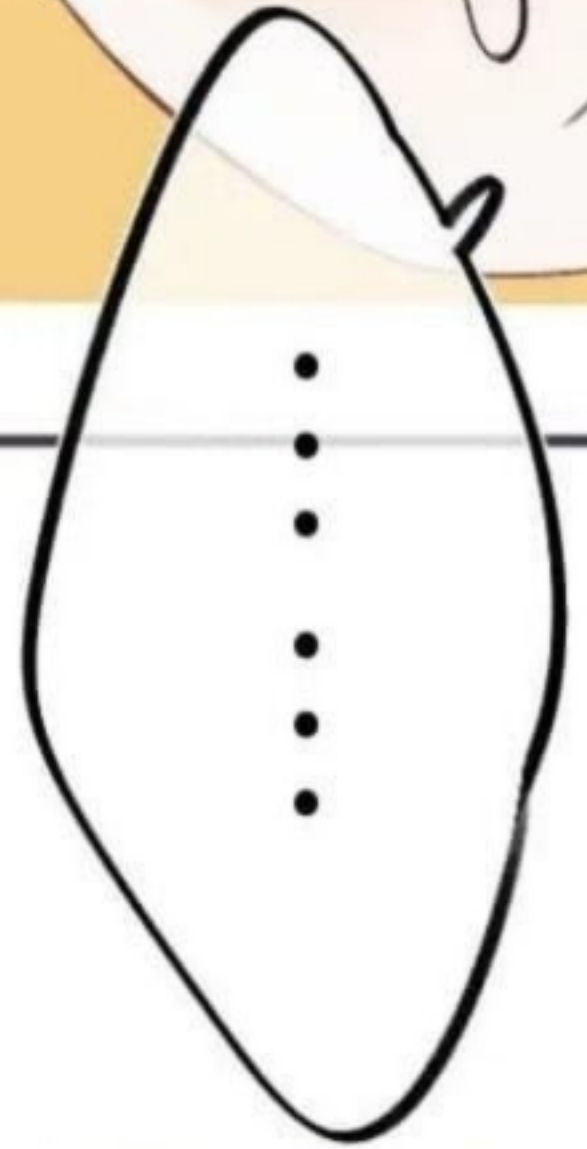
داداشی سعی  
می‌کنه آروم‌تر  
انجامش بده.



آماده برای ترکیبش

درستو بده ملو

AS





آروم باز  
کردن دست

داداشی من  
خیلی کینه‌ایم، حتما  
انتقام می‌گیرم.

پس بهم  
دروغ نگو.

این طوریه؟



پس باید  
بدم یکی دیگه  
برات بزنه؟

من نمی خوام  
سانگ ژی کوچولو  
ازم متنفر بشه.

**NO!**



هرچی میگم  
یه چیزی میگن.

بچه، میشه یکم  
منطقی تر باشی؟





دیگه  
کلاس هشتمی،

اما هنوز نمی دونی  
چطور منطقی باشی؟

درسته که بهت  
گفتم نمی دونم چطور  
منطقی باشم.

پس،

واقعا؟

واقعا



هوم،

سانگ ژي  
کوچولو دختر  
خوبیه.



快看快看





همین الان  
به معلمت گفتی  
داداشت باباته،

فکر می کنی  
باور کرد؟



معلمم که قبلا  
بابامو ندیده.



ولی داداشت که  
اونقدر بزرگ نیست  
که یه بچه همسن  
من داشته باشه.

اون حتی مثل  
من یونیفرم داوطلب  
رو پوشیده.



خب...

میگم شبیه  
تیشرت بابام بود



.....

بچه...

تو اصلا  
وجدان داری؟



من این همه  
خوب باهات  
رفتار کردم.

بعد تو داری  
از طرف برادرت  
بهم زور میگی؟